

تورم، تأخیر در جمع آوری و ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی

نوشته : ویتوتا نزی

ترجمه : محمد کردبچه و محسن طلائی

مقدمه

ادبیات اقتصادی موجود در زمینه نقش و اثر تورم بر درآمدهای مالیاتی مبین این مطلب است که: تورم باعث کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی می گردد، در حالیکه، تجربیات کشورهای صنعتی جهان در سنوات اخیر، عکس این مطلب را نشان می دهد. در این کشورها معمولاً، تورم با افزایش واقعی درآمدهای مالیاتی همراه بوده و مشکل کشورهای مزبور سازماندهی نحوه برخورد آنان جهت خنثی نمودن اثرات (نامطلوب) این افزایش بر مکانیسم توزیع درآمدها بوده است. بطور کلی افزایش واقعی درآمدهای مالیاتی از دو طریق امکان پذیر است:

(۱) زمان تاخیر در جمع آوری مالیاتها کوتاه تر گردد

و (۲) سیستم مالیاتی انعطاف پذیر باشد.

اگرچه شرایط مذکور، در مورد سیستم مالیاتی بسیاری از کشورهای صاعد است، اما حکم کلی برای تمامی کشورها در این زمینه، نیست.

در کشورهایی که در زمینه جمع آوری مالیاتها خود با وقفه های زمانی نسبتاً زیادی دست و پنجه نرم می کنند و از سوی دیگر، کثرت درآمدهای مالیاتی نسبت به درآمد ملی آنان، کوچکتر ادیک است، تغییرات نسرخ

تورم می تواند نتایج کاملاً متفاوتی (بویژه در صورت بروز نرخهای تورمی شدید) از خود به جای گذارد. متأسفانه شرایط اخیر الذکر، تصورات انتزاعی اقتصاددانان جهت بررسی مباحث نظری نیست، بلکه شرایطی است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی برخی از کشورهای صنعتی پیشرفته به خوبی محسوس است. برای این قبیل کشورها، مشکل اصلی افزایش درآمدهای مالیاتی نیست، بلکه کاهش واقعی درآمدهای مالیاتی بر اثر تورم مسئله ساز است. متأسفانه، در بسیاری از موارد کاهش واقعی درآمدهای مالیاتی از طریق مراجعه دولتها به سیستم بانکی و چاپ اسکناسهای جدید جهت تامین مالی فعالیتهای اقتصادی جاری این کشورها، خود عاملی است جهت تشدید هر چه بیشتر روندهای تورمی.

تاکنون در این خصوص که، عدم انعطاف پذیری کافی سیستم مالیاتی و وجود تاخیرات زمانی طولانی در جمع آوری مالیاتها و نرخهای تورم نسبتاً بالا، چه تاثیری از خود بر درآمدهای مالیاتی واقعی به جای می گذارند، بررسی عمیق و همه جانبه ای صورت نگرفته است. به همین مناسبت، هدف اصلی این گزارش نشان دادن این واقعیت است که در صورت بروز فشارهای تورمی نسبتاً شدید و تاخیرات اجتناب ناپذیر و طولانی در جمع آوری مالیاتها، عدم انعطاف پذیری و کاهش درآمدهای مالیاتی باعث کاهش بسیار شدید درآمدهای مالیاتی می گردد.

اثرات مخرب این تاخیرات، متأسفانه، معمولاً به دست فراموشی سپرده شده است. بهمین مناسبت، در این گزارش پس از طرح مباحث نظری در این زمینه، جمع بندی ای از تجربیات آرژانتین رابه عنوان کشوری که با ترکیبی از نرخ تورم شدید، وجود تاخیرات طولانی در جمع آوری مالیاتها و عدم انعطاف پذیری لازم در یافت سیستم مالیاتی خود مواجه است، ارائه شده است. ترکیب عوامل فوق الذکر در این کشور، کاهش

شدید درآمدهای مالیاتی واقعی (باتوجه به تمامی نتایج متعاقب آن) رابه همراه داشته است. گزارش حاضر، مبانی کار خودرابیشتربربررسی اثرات تاخیردرجمع آوری مالیاتهاستوارساخته و به پروراختلافاتی که معمولاً به دنبال تورم درسیستمهای مالیاتی کشورهای مختلف به وقوع می پیوندد نپرداخته است.

۱- متدولوژی

منظوراز مالیات دراین گزارش تعهدمالی و قانونی شخص حقیقی ویا حقوقی مالیات دهنده (نظیر: افراد، موسسات تجاری و غیره) نسبت به دولت است. مثلاً، کسب درآمد ازسوی افراد متضمن پرداخت " مالیات بردرآمد " ازسوی آنان است، صرف این درآمدهانیزبنوبه خود متضمن تعهدمالیاتی جدید برای خریدار و یافروشنده به صورت " مالیات بر فروش " است و بالاخره، مالک بودن یک کالا ممکن است باپرداخت نوعی " مالیات بر ثروت " همراه باشد. اکنون، فرض می کنیم فروشنده ای را که x دلار، کالا باوجود ضریب مالیاتی a برای آن کالا به فروش می رساند وفردی رابادراآمد y دلار که به ادا هرواحد ادرآمد خود ضریب مالیاتی b رابایدبپردازد. درچنین شرایطی، تعهدمالیاتی این فروشنده، ax دلار و تعهدمالیاتی فرد دوم by دلار است. اگرچه این تعهدات مالیاتی بلافاصله پس ازکسب درآمد و یافروش نوع معینی کالا، به وقوع می پیوندد، معدلك، دریافتی دولت ازاین بابت باوقفه زمانی نسبت به این لحظه انجام می پذیرد. وجود این تاخیرات زمانی درجمع - آوری مالیاتها پیچیدگی هایی رادرتعریف کشش مالیاتی و حتی درتعیین نرخ متوسط مالیات درهرمورد، ایجاد می نماید. درصورتی که، تعهدات

مالیاتی دقیقاً بدون وقفه پرداخت گردد، کشش درآمدی مالیاتی نسبت به کل درآمدها و یاپایه مالیاتی تحت تاثیر تاخیر زمانی قرار نمی گیرد. چنانچه درآمد ملی تغییر نماید، درصد تغییر در مالیاتهای جمع آوری شده مساوی، کمتر و یا بیشتر از درصد تغییر در درآمد ملی خواهد بود. بنابراین از نظر تئوریک، کشش مالیاتی، برابر، بزرگتر و یا کوچکتر از واحد خواهد بود. چنانچه کشش درآمد مالیاتی بیش از یک باشد، وجود تورم باعث افزایش ارزش واقعی مالیاتهای اخذ شده می گردد، چراکه نسبت درآمدهای مالیاتی به درآمد ملی در حقیقت افزایش یافته است.

شیوه دیگر برخورد با این موضوع، ارتباط میان میزان مالیات جمع آوری شده در زمان مشخصی نسبت به کل درآمدها (یا شاید، هزینه ها) در لحظه ای است که این تعهدات مالیاتی قانوناً ایجاد شده است، می باشد. در این صورت، اگر اکتساب درآمدی معادل Y_0 تعهد مالیاتی ای معادل bY_0 ایجاد نماید و به دلیل تاخیر زمانی در جمع آوری، اخذ مالیات این درآمد در دوره بعد انجام پذیرد (یعنی زمانی که درآمدها به Y_2 افزایش یافته است) کشش درآمد مالیاتی در رابطه با درآمد مالیاتی Y_0 محاسبه می گردد، به جای آنکه با درآمد Y_2 انجام گیرد. به این ترتیب، بدیهی است که کشش مالیاتی ای که از این طریق محاسبه می شود، بسیار متفاوت است از روش کلاسیک آن که درآمد را در زمان پرداخت آن در محاسبات خود منظور می نماید، در نتیجه زمانی که درآمد اسمی در حال افزایش است و تاخیر در جمع آوری مالیاتها وجود دارد، کشش مالیاتی و همچنین نرخ مالیاتها نسبت به اینکه درآمدهای مالیاتی جاری و یا اینکه درآمدهای مالیاتی به قیمت زمانی که می باید این مالیاتها وصول می گردید ملاک محاسبات واقع شود، دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد. این اختلاف اگر رخ تورم بالا و زمان تاخیر در جمع آوری

مالیاتها نسبتاً طولانی باشد، بسیار قابل توجه خواهد بود. چگونگی تاثیرات ناخیر در جمع آوری مالیاتها، مباحث بعد به صورت مشروح تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

د- تورم، تاخیر در جمع آوری و درآمد مالیاتی واقعی

اثر تاخیرات زمانی مختلف در جمع آوری مالیاتها با نرخ تورم گوناگون بر ارزش واقعی یک دلار درآمد مالیاتی با استفاده از محل معادله زیر محاسبه می‌گردد:

$$R = \frac{1}{(1 + p)^n}$$

که در معادله فوق: $R =$ ارزش واقعی یک دلار درآمد مالیاتی است که در حال حاضر جمع آوری شده است، اما بر حسب قیمت‌های زمانی که در واقع این حادثه مالیاتی رخ داده اندازه گیری شده است.

$p =$ نرخ ماهانه تورم

$n =$ ماههای تاخیر در جمع آوری مالیاتها.

جدول شماره یک با استفاده از معادله فوق الذکر و با توجه به نرخهای تورم و زمانهای مختلف تاخیر در جمع آوری مالیاتها، محاسبه شده است. در این جدول فرض شده است، مالیاتها ماهانه جمع آوری می‌شود و در نتیجه، تاخیر زمان در جمع آوری مالیاتها ممکن است بین صفر تا ۱۲ ماه در نوسان باشد. البته ممکن است، این میزان تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها زیاد بنظر برسد، اما هستند کشورهایی که تاخیر مزبور در سیستم مالیاتی آنها، بسیار بیش از اینهاست.

در جدول شماره یک، تاخیر زمان بصورت افقی در بالای جدول نشان داده شده و در طرف چپ این جدول، نرخهای تورم ماهانه به صورت

جدول شماره (۱)

تأثیر تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها و نرخ تورم بر ارزش واقعی

درآمدهای مالیاتی

نرخ ماهانه	تأخیر زمان پرداخت مالیات بر حسب ماه													
	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	
0	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.001	1.00	1.00
1	1.00	0.99	0.98	0.97	0.96	0.95	0.94	0.93	0.92	0.91	0.90	0.90	0.90	0.89
1.5	1.00	0.99	0.97	0.96	0.94	0.93	0.91	0.90	0.89	0.87	0.86	0.85	0.85	0.84
2	1.00	0.98	0.96	0.94	0.92	0.91	0.89	0.87	0.85	0.84	0.82	0.80	0.80	0.79
3	1.00	0.97	0.94	0.94	0.89	0.86	0.84	0.81	0.79	0.77	0.74	0.42	0.70	0.70
4	1.00	0.96	0.92	0.89	0.85	0.82	0.79	0.76	0.73	0.70	0.68	0.65	0.65	0.63
5	1.00	0.95	0.91	0.86	0.82	0.78	0.75	0.71	0.68	0.65	0.64	0.58	0.56	0.56
6	1.00	0.94	0.89	0.84	0.79	0.75	0.70	0.67	0.63	0.59	0.56	0.53	0.50	0.50
7	1.00	0.93	0.87	0.82	0.76	0.71	0.67	0.62	0.58	0.54	0.51	0.48	0.44	0.44
8	1.00	0.93	0.86	0.79	0.74	0.68	0.63	0.58	0.54	0.50	0.46	0.43	0.40	0.40
9	1.00	0.92	0.84	0.77	0.71	0.65	0.60	0.55	0.50	0.46	0.42	0.39	0.36	0.36
9.4	1.00	0.91	0.84	0.76	0.70	0.64	0.58	0.55	0.498	0.45	0.41	0.37	0.34	0.34
10	1.00	0.91	0.83	0.75	0.68	0.62	0.56	0.51	0.47	0.42	0.39	0.35	0.32	0.32
20	1.00	0.83	0.69	0.58	0.48	0.40	0.33	0.28	0.23	0.19	0.16	0.13	0.44	0.44
30	1.00	0.77	0.59	0.46	0.35	0.27	0.21	0.16	0.12	0.09	0.07	0.06	0.04	0.04
40	1.00	0.71	0.51	0.36	0.26	0.19	0.13	0.09	0.07	0.05	0.03	0.02	0.02	0.02
50	1.00	0.67	0.44	0.30	0.20	0.13	0.09	0.06	0.04	0.03	0.02	0.01	0.01	0.01

عمودی آمده است. مجموعه تاخیرات زمانی در جمع آوری مالیاتها و نرخهای مختلف تورم، ماتریسی را تشکیل می دهد که در حقیقت تجربیات مالیاتی بسیاری از کشورهای را در بر می گیرد.

اگر کشش درآمد مالیاتی یک کشور نسبت به قیمتها برابر یک باشد، از این جدول می توان برای پاسخ به سئوالاتی نظیر، نقش و اثر تورم بر کل درآمدهای مالیاتی به خوبی استفاده نمود.

به عبارت دیگر با استفاده از جدول مزبور، می توان مطلوبترین پاسخ را برای سؤال زیر ارائه نمود. در صورتی که در یک کشور مالیاتها با تاخیر زمانی X ماه جمع آوری گردد و نرخ تورم در این کشور Y درصد در ماه باشد، این امر چه اثراتی بر ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی اخذ شده در این کشور خواهد داشت؟ در جدول شماره یک هر یک از ردیفها، اثرات مورد سؤال را، بانرخهای تورم مشخص و وجود وقفه زمانی معین از ۱۲ ماه به خوبی نشان می دهد. بنابراین برای مثال، اگر نرخ ماهانه تورم ده درصد و وقفه زمانی در جمع آوری مالیاتهای کشوری، صفر باشد، هیچگونه کاهشی در ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی این کشور رخ نخواهد داد. و در صورتی که زمان جمع آوری مالیاتی بایک ماه تاخیر توأم باشد، درآمدهای مالیاتی، ۹ درصد کاهش و یا تاخیر زمانی ۵ ماه، ۲۸ درصد کاهش را متحمل خواهد شد.

به هم میزان که نرخ تورم بالاتر و تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها طولانی تر باشد، کاهش ارزش درآمدهای مالیاتی واقعی در این کشور مفروض شدیدتر خواهد بود.

از سوی دیگر ستونهای جدول مزبور، بیانگر تاثیر تاخیر زمانی معین در جمع آوری مالیاتها و نرخهای تورم رو به افزایش بر درآمدهای مالیاتی واقعی است. مثلاً، اگر متوسط تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتهای کشور

مفروض ۴ ماه باشد، واگر این کشور احوال ثبات قیمت‌ها به شرایطی بانرخ تورم يك درصد در ماه وارد شود، حدود ۴ درصد ارزش واقعی مالیات‌های کشور مزبور کاسته خواهد شد. چنانچه، نرخ تورم به ۵ درصد در ماه افزایش یابد، درآمدهای واقعی مالیاتی ۱۸ درصد کاهش و با افزایش نرخ تورم در این کشور به حدود ۵۰ درصد در ماه برسد، ارزش واقعی مالیات‌ها به ۲۰ درصد آن چیزی خواهد رسید که در صورت عدم وجود تورم حاصل می‌گردید. ارسوی دیگر اگر نرخ تورم صفر باشد، از آنجا که ارزش پول جمع آوری شده طی زمان بدون تغییر خواهد ماند، هیچگونه کاهش در ارزش واقعی مالیات‌های جمع آوری شده بوجود نخواهد آمد. همچنین اگر تاخیر زمانی در جمع آوری مالیات‌ها صفر باشد، با هر نرخ تورمی، کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیات‌ها نیز صفر خواهد بود. بطور خلاصه نتایج اساسی بحث فوق به شرح زیر است:

- الف: چنانچه کشش سیستم مالیاتی نسبت به قیمت‌ها مساوی يك باشد، با هر نرخ تورمی، هر چه زمان تاخیر در جمع آوری مالیات‌ها بیشتر باشد، خالص کاهش درآمدهای واقعی مالیاتی در اثر تورم بیشتر خواهد بود.
- ب: با فرض تاخیر زمانی معین در جمع آوری درآمدهای مالیاتی، هر چه نرخ تورم بیشتر باشد، ارزش درآمدهای واقعی مالیاتی کمتر خواهد بود.
- ج: و بالاخره، جدول شماره يك نشان می‌دهد که يك کشور مفروض، چگونه با کاهش تاخیر زمانی در جمع آوری مالیات‌های خود قادر است درآمدهای بیشتری را در اختیار داشته باشد. بطور مثال، کشوری که در شرایط تورمی به سر می‌برد، می‌تواند مالیات بر درآمدهای خود را بانوعی مالیات بر ارزش افزوده کالاها، جایگزین نماید که با تاخیر زمانی کمتری قابل جمع آوری باشد.

کدام تورم، تاخیر در جمع آوری مالیاتها ———— زمانی که کشش درآمدی مالیاتها برابر یک نیست:

در بحث بالا، فرض شده بود که کشش درآمدی مالیاتها برابر یک است این امر بدین معنی است که با فرض ثابت بودن سایر عوامل، نرخ تورم به تنهایی هیچ گونه تغییر واقعی در درآمدهای مالیاتی، ایجاد نمی نماید. فرض واحد بودن کشش درآمدی مالیاتها، برای کشورهای در حال توسعه (و حتی برخی از کشورهای پیشرفته) فرضی واقع بینانه است، زیرا مالیات بر درآمد افراد در این کشورها، از اهمیت زیادی برخوردار نیست — به ویژه آنکه بصورت تصاعدی نیز این درآمدها اخذ نمی گردد. چنانچه درآمدهای مالیاتی کشوری به شدت به درآمد افراد آن کشور متکی باشد، و این درآمدها با تاخیر زمانی کوتاهی جمع آوری گردد (با ذکر گونی میسران معافیت های مالیاتی) شرایط تورمی، باعث افزایش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی خواهد شد. بنابراین، اگر مالیاتها با تاخیر زمانی نسبتاً طولانی جمع آوری گردد، افزایش درآمدی که ممکن است از طریق وضع مالیاتهای تصاعدی حاصل گردد با کاهش درآمدهایی که در جدول شماره یک بدان ما اشاره کردید، عملاً "خنثی" می گردد.

در صورتی که سیستم مالیاتی با تاخیر زمانی در جمع آوری درآمدهای مالیاتی مواجه باشد و کشش درآمدی مالیاتی، بیش از یک باشد، افزایش سطح عمومی قیمتها ابتدا باعث کاهش درآمدهای واقعی مالیاتی می شود (آنچنان که در جدول شماره یک توضیح داده شده است) ولی به تدریج که سطح قیمتها روبه افزایش می رود و به همراه آن، درآمدهای اسمی مالیاتی با نسبت بیشتری از آن افزایش می یابد، درآمدهای واقعی مالیاتی افزایش یافته و این افزایش تا زمانی که سطح عمومی قیمتها در حال

صهود است، ادامه خواهد یافت. بطور کلی، کاهش درآمدهای واقعی اولیه، با افزایشهای بعدی نرخ تورم خنثی شده و نهایتاً درآمدهای واقعی مالیاتی افزایش خواهد یافت. هرچه تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها کمتر باشد و کشش درآمدی مالیاتها بیش از یک باشد، این افزایش درآمدهای واقعی سریعتر تحقق خواهد پذیرفت. ارتباط میان درآمدهای واقعی مالیاتی، نرخ تورم و کشش سیستم مالیاتی و تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها در پیوست این مقاله آورده شده است.

بافرض آنکه کشش درآمدی مالیاتی برابر یک نباشد، محاسبات ریاضی ای که جهت تعدیل نتایج جدول شماره یک لازم است، بسیار پیچیده تر خواهد بود. البته لازم به تذکر است که کشش درآمدی مالیاتی به ویژه در زمینه مالیات بر درآمد افراد بسیار با اهمیت است. کششهای مالیاتی ای که بیش از یک می باشد با وجود سایر مالیاتها، نظیر مالیات بر دارایی، ثروت و فروش که کشش مالیاتی ای کمتر از یک را دارا می باشد، جبران می گردد. بنابراین، قبول کشش درآمدی مالیاتی برابر یک برای کشورهای در حال توسعه فرضیه قابل قبول و قابل دفاع است. تجزیه و تحلیل سیستم مالیاتی آرژانتین که در دنباله مقاله آمده نیز بر همین اساس انجام گرفته است.

۳- محاسبه وقفه زمانی متوسط در جمع آوری مالیاتها

تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها، یعنی فاصله زمانی ای که طی آن مالیات باید پرداخت گردد، با زمانی که مالیات واقعا پرداخت می گردد، به دو بخش تقسیم می شود: تاخیر قانونی و تاخیر غیر قانونی. نوع اول تاخیر در جمع آوری مالیاتها، تاخیری است که قانوناً به مالیات دهندگان اجازه استفاده از آن اعطا شده است و هیچگونه جریمه‌ای

نیز شامل آن نمی گردد. بطورمثال فردی که به حرفه آزادی اشتغال دارد، مدت زمانی پس از کسب درآمد فرصت دارد تا مالیات خود را بپردازد. به همین ترتیب یک خرده فروش مدتی پس از انجام معاملات خود، مالیات برفروش خود را به خزانه دولت واریزی نماید. تاخیر غیرقانونی به حالتی اطلاق می شود که طی آن پرداخت مالیات پس از اتمام مهلت زمان قانونی آن نیز انجام نمی گیرد. در اکثر موارد تاخیر قانونی در پرداخت مالیاتها از اهمیت بیشتری نسبت به تاخیر غیرقانونی آن برخوردار است، اگرچه در بسیاری از شرایط بخصوص، تاخیر غیرقانونی می تواند بسیار مسئله ساز باشد.

در مطالعه سیستم مالیاتی هر کشور معین، تعیین زمان متوسط تاخیر در جمع آوری مالیاتها بسیار با اهمیت است. این تاخیر زمانی در کشورهای مختلف و تحت تاثیر انواع گوناگون مالیاتها و ساختار کلی مالیاتی آنان، متفاوت خواهد بود. اگر میزان تاخیر زمانی جمع آوری درآمد هر یک از اقلام مالیاتی را در اختیار داشته باشیم، تاخیر زمانی متوسط برای کل سیستم مالیاتی از طریق محاسبه متوسط وزنی این تاخیرات محاسبه می گردد. وزنی که برای این منظور بکار گرفته می شود در حقیقت بیانگر اهمیت نسبی هر یک از اقلام مالیاتی در کل درآمدهای مالیاتی است. به عبارت دیگر هر چه میزان منابع مالیاتی ای یک کشور معین به آنها وابسته است کمتر باشد، بر آورد تاخیر زمانی متوسط در جمع آوری مالیاتها آسان تر خواهد بود.

معمولاً در بر آورد زمان تاخیر متوسط در جمع آوری مالیاتها، بررسی قوانین مالیاتی سودمند واقع نمی گردد و به جای آن، مذاکره با مقامات مالیاتی این کشورها بسیار مفیدتر است. این مباحث و مذاکرات به گرد مسائلی از قبیل انواع اقلام مالیاتی، روش و زمان دریافت مالیاتها و

اختلاف تاخیر زمانی در جمع آوری هریک از این اقلام مالیاتی، متمرکز خواهد بود.

چنانکه فرض کنیم، T_1 سهم یک قلم مالیاتی در کل درآمد مالیاتی باشد و L_1 تاخیر زمانی مربوط به جمع آوری این قلم مالیاتی فرض گردد آنگاه تاخیر زمانی متوسط در جمع آوری کل مالیاتها با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$L_T = \frac{\sum_{i=1}^n T_i L_i}{\sum_{i=1}^n T_i}$$

این همان تاخیر زمانی است که در جدول شماره یک، مورد استفاده قرار گرفته است.

تجربه آرژانتین

در کشور آرژانتین اقلام مالیاتی که جمع آوری می شود، بسیار زیاد است. بطور مثال در سال ۱۹۷۶ اداره مالیاتی آرژانتین وجود بیش از ۲۴ قلم مالیاتی جاری و ۴۸ قلم مالیات معوقه را گزارش نموده است. لازم به تذکر است که اداره مزبور، تنها ارکان جمع آوری مالیاتها نبوده و قسمتی از درآمدهای مالیاتی این کشور توسط گمرکات و ادارات دولتی و برخی از موسسات تامین اجتماعی مستقلاً اخذ می گردد. با این وجود، این اقلام مالیاتی و امی توان در گروههای مشخص و اصلی تری طبقه بندی و تاخیر زمانی متوسط در مورد هریک از این گروهها برآورد نمود. بر اساس مذاکرات انجام گرفته با مقامات مسئول مالیات آرژانتین، در سال ۱۹۷۵ و نیمه اول سال ۱۹۷۶، مالیات بر ارزش افزوده با تاخیر زمانی ۹۰ روز، مالیات حق تعمیر با تاخیر زمانی ۲۰ روز، مالیات بر سوخت با تاخیر زمانی ۴۵ روز، مالیات بر واردات و صادرات با تاخیر زمانی ۴۵ روز، مالیات بر کالاهای

مقرر شده با تاخیر زمانی ۱۲۰ تا ۱۵۰ روز و مالیات بر خدمات تامین اجتماعی با تاخیر زمانی ۲۰ روز و بالاخره مالیات بر املاک و داراییها با تاخیر زمانی حداقل یک سال در این کشور جمع آوری می شده است. اطلاعات اساسی مورد استفاده برای برآورد متوسط تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها برای کشور آرژانتین در جدول شماره ۲ خلاصه شده است. با استفاده از اطلاعات جدول فوق الذکر و معادله شماره ۲، در صورتی که مالیات بر خدمات تامین اجتماعی را در محاسبات منظور نمائیم، تاخیر زمانی متوسط جمع آوری مالیاتها برابر $4/2$ ماه و بدون در نظر گرفتن مالیات مزبور، این تاخیر زمانی به $5/7$ ماه افزایش می یابد.

در سال ۱۹۷۴، نسبت کل مالیاتها (شامل مالیات بر خدمات تامین اجتماعی) به تولید ناخالص داخلی آرژانتین بالغ بر $17/74$ درصد بود و در سال ۱۹۷۵ این نسبت به $12/24$ درصد کاهش یافت - یعنی ۳۱ درصد کاهش. در صورت در نظر گرفتن مالیات بر خدمات تامین اجتماعی در این کشور، این درصد به $7/75$ کاهش می یابد. چنانچه روند قیمتها در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ مورد مطالعه قرار گیرد، این کاهش درآمدهای مالیاتی بسیار قابل توجه خواهد بود. در سال ۱۹۷۴، شاخص عمده فروشی کالاها، بطور متوسط ماهانه $1/5$ درصد افزایش یافته و همین رقم برای سال ۱۹۷۵، $9/4$ درصد در ماه گزارش شده است. با استفاده از تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها که در بالا بدان اشاره شد و همچنین توجه به جدول شماره یک، افزایش نرخ تورم ماهانه از $1/5$ درصد به $9/4$ درصد در آرژانتین، کاهشی معادل ۲۶ درصد در ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی را به همراه داشته است (تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها ۴ ماه فرض شده است). در صورتی که تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها به ۵ و یا ۶ ماه افزایش یابد، کاهش درآمد واقعی مالیاتی به ترتیب به ۳۱ درصد و ۲۶ درصد افزایش می یابد.

حال باتوجه به اینکه تاخیر زمانی جمع آوری مالیاتها در آرژانتین، بدون در نظر گرفتن مالیات خدمات تامین اجتماعی ۴/۲ ماه و با در نظر گرفتن

جدول شماره (۲)

درآمد مالیاتی آرژانتین در سال ۱۹۷۴

ووقفه زمانی جمع آوری آن

نوع مالیاتها	درآمد سال ۱۹۷۴			L _i
	میزان	T _i	۱	
	(۱)	(۲) ^۲	(۳) ^۳	(۴)
	میلیارد پزوس	درصد		ماه
مالیات بردرآمد	۶/۲۴	۱۱/۹	۱۶/۹	۱۲
مالیات بردارائی	۲/۲۸	۴/۴	۶/۲	۱۲
(مالیات ارزش افزوده)	۴/۲۶	۷/۹	۱۱/۲	۳
مالیات برفروش کالاهای ویژه	۲/۲۵	۶/-	۸/۶	۴
سخت	۴/۲۲	۸/-	۱۱/۴	۱/۵
واردات	۱/۷۲	۴/۲	۴/۵	۱/۵
صادرات	۴/۲۷	۷/۹	۱۱/۲	۱/۵
سایر	۱۱/۲۷	۲۱/-	۲۹/۹	۶
تامین اجتماعی	۱۶/۰۹	۲۹/۷	—	—
کل	۵۴/۱	۱۰۰ /-	۱۰۰/-	—

- ۱- سهم قلم مالیاتی در کل درآمد مالیاتی
 ۲- شامل مالیات بر خدمات تامین اجتماعی
 ۳- بدون مالیات بر خدمات تامین اجتماعی

مالیات مزبور ۵/۷ ماه برآورد شده است، در سال ۱۹۷۵، رفتار واقعی درآمدهای مالیاتی کاملاً" برملاحظات تئوریک در این زمینه انطباق داشته است. درحقیقت چنانچه تاخیر زمانی در جمع آوری مالیاتها ۵ تا ۶ ماه منظور گردد، کاهش درآمد واقعی مالیاتها دقیقاً" با کاهشهای برآورد شده منطبق خواهد شد.

در اوایل سال ۱۹۷۶، نرخ تورم شتاب زیادی پیدا نموده بود و ظرف مدت چندماه در سطح بالائی قرار گرفت، به عنوان مثال، در ژانویه، فوریه، مارس و آوریل همین سال، نرخ تورم به ترتیب ۱۹/۱ درصد، ۲۸/۵ درصد، ۵۲/۸ درصد و ۲۶/۲ درصد بالغ گردید. بانرخهای تورم فوق الذکر و تاخیر زمانی ۵ ماه برای جمع آوری مالیاتها، حدود ۷۵ درصد اردرآمد واقعی مالیاتی کاسته می گردد. اطلاعات مقدماتی موجود نشان می دهد که درآمدهای واقعی در آرژانتین به همین میزان کاهش داشته است. تا پایان سال ۱۹۷۵ و اوایل سال ۱۹۷۶ عوامل دیگری نیز به نابسامانی اوضاع اقتصادی آرژانتین افزوده گردید و باعث بروز اختلالاتی میان ارتباط نظری برآورد شده بین مالیاتها و سیر قیمتها در این کشور شد. بحث این عوامل خارج از حیطه کار این گزارش است و مواردی چون افزایش میزان فرار مالیاتی، افزایش تاخیر در پرداخت مالیاتها به علت پائین بودن سطح جریمه برای متخلسان را در بر نمی گیرد.

۴ نتیجه

در این بررسی نشان داده شده است که کشورهایی که بامسائیل تورمی قابل توجهی روبرو هستند و یا اینکه در آینده نزدیکی برودایسن فشارها را پیش بینی می نمایند، باید به اثرات تاخیر زمانی در جمع آوری

مالیات‌بردرآمدهای خود، بیشترتوجه نمایند. البته هیچ کشوری درجهان وجود ندارد که مالیاتهای خودرابدون وقفه زمانی و بلافاصله دریافت نماید و اصولاً "برخی از اقلام مالیاتی به وجود وقفه زمانی در جمع آوری نیاز دارد. باوجوداین، می‌توان ازتاخیرات قانونی جهت جمع آوری مالیات‌تامیزان ریادی کاست.

دراین زمینه باید سیاستهایی اتخاذگردد تا تاخیر زمان قانونی برای جمع آوری مالیات‌ها را به حد مطلوبی کاهش داده و تاخیر غیرقانونی در پرداخت مالیات‌ها را حتی الامکان به صفر نزدیک نماید. تاخیرات غیرقانونی در پرداخت مالیات‌ها را می‌توان با برقراری جرایم سنگین و با افزایش نرخ مالیات‌ها بر اساس تخخیر سطح قیمت‌ها در میان برد. البته تجربه بسیاری از کشورهای بیابانگر این مطلب است که برقراری جرایم به تنهایی برای این منظور کافی نیست، زیرا جریمه ای که بانرخهای تورم پائین قابل توجه به نظرمی رسد، ممکن است در شرایط تورمی شدید اصولاً غیر قابل وصول گردد.

در آرژانتین اخیراً قانونی وضع شده است که به موجب آن، پرداخت های مالیاتی باتوجه به روند قیمت‌ها تعدیل می‌گردد. همچنین تاخیر زمانی در جمع آوری مالیات بر ارزش افزوده در این کشور از ۹۰ روز به ۶۰ روز کاهش یافته است، اما این کشور تا رسیدن به شرایط مطلوب مالیاتی راه طولانی ای را در پیش روی دارد. بر اساس اطلاعات موجود، در شیلی برای کاهش اثرات تورم بر درآمدهای مالیات، مالیات بر ارزش افزوده در هر ماه دو مرتبه اخذ می‌گردد. بطور کلی تاخیر در پرداخت مالیات‌های فروش و واردات و صادرات به زمانی کمتر از یک ماه قابل کاهش است، لیکن در مورد مالیات بردارائی و درآمد، چون دارای مبانی محاسباتی سالانه هستند، کاهش تاخیر زمانی پرداخت مالیات‌ها، بسیار مشکل

است. مشکل اساسی در این زمینه، برآورد پایه ای است که بر آن اساس مالیات باید محاسبه شود. به عنوان مثال در کشور آرژانتین پیش پرداخت مالیات بر شرکتها بر اساس درآمد سال گذشته این شرکتها محاسبه می گردد. در شرایطی که قیمتها از یک سال به سال دیگر افزایش قابل توجهی داشته باشد، پیش پرداخت بر اساس درآمدی سال گذشته نسبت به درآمد فعلی بسیار کمتر خواهد بود. راه حلی که برای این منظور در آرژانتین به کار گرفته شده است محاسبه پیش پرداخت بر اساس درآمد تعدیل شده سال گذشته با توجه به تغییر قیمتها در طول سال می باشد. راه حل دیگر آن است که ارمالیات دهنده درخواست شود که خود شخصا درآمد خود را در هر سال برآورد نموده و مالیات مربوط به آن را بصورت ماهانه و یا فصلی پرداخت نماید. در مورد مالیات بر شرکتها ممکن است این روش محاسباتی با مشکلاتی روبرو گردد، لذا در صورتی که نرخ تورم نسبتاً بالا باشد، لازم است ابتدا درآمدهای سال گذشته این شرکتها بر اساس نرخ تورم سال جاری تعدیل شده و پس از آن این درآمد تعدیل شده مبنای پیش -

پرداخت مالیاتهای سال جاری قرار گیرد ●

رتال جامع علوم انسانی

ضمیمه
●●●●●●●●

بطور کلی درآمد واقعی مالیاتی از طریق رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$R = \frac{T}{P_0(1 + P)^n} \quad (۲)$$

که در آن:

$R =$ درآمد واقعی مالیاتی در زمان t که n دوره دیرتر پرداخت می گردد.

$T =$ درآمد اسمی مالیاتی در زمان .

$P_p =$ سطح قیمت‌ها در زمان .

$P^* = \frac{1}{P^*} \cdot \frac{dP_p}{dt} =$ نرخ لحظه ای تورم در زمان .

در صورتیکه فرض نمائیم که E کشش درآمد مالیاتی نسبت به تغییرات قیمت باشد خواهیم داشت :

$$E = \frac{dT}{dP_p} \cdot \frac{P}{T} \quad (۴)$$

رابطه (۴) را می توان به شکل زیر نوشت .

$$\frac{dT}{dP_p} = \frac{E \cdot T}{P_p} \implies P_p dT - ET dp_p = 0$$

و با تقسیم رابطه بدست آمده بر $P \cdot T$

$$\frac{dT}{T} - E \frac{dP_p}{P_p} = 0 \quad (۵)$$

انتگرال رابطه (۵) بصورت زیر خواهد بود :

$$\int \frac{1}{T} dT - \int \frac{E}{P_p} dP_p = C \quad (۶)$$

در رابطه (۶) C نشان دهنده مقدار ثابت در انتگرال است. با استفاده از این رابطه خواهیم داشت :

$$\ln T - E \ln P_p = C \quad (۷)$$

$$T P_p^{-E} = e^C = K \quad (۸)$$

$$T = K P_p^E \quad (۹)$$

با جایگزین نمودن رابطه (۹) در رابطه (۲) :

$$R = \frac{K P_p^E}{P_p (1+P)^n} = \frac{K P_p^{E-1}}{(1+P)^n} \quad (۱۰)$$

از معادله (۱۰) می توان نسبت به نرخ تورم P^* ، سطح قیمت P ،

کشش مالیاتی E و تاخیر در جمع آوری مالیات n مشتق گرفت .

معادلات حاصل به شکل زیر خواهد بود :

$$\frac{\partial R}{\partial P} = \frac{-n K P_p^{E-1}}{(1+P)^{n+1}} \quad (۱۱)$$

$$\frac{\partial R}{\partial P} = \frac{(E-1)K P_0^{E-2}}{(1+P)^n} \quad (12)$$

$$\frac{\partial R}{\partial E} = \frac{K P_0^{E-1} \ln P_0}{(1+P_0)^n} \quad (13)$$

$$\frac{\partial R}{\partial n} = \frac{-K P_0^{E-1} \ln(1+P)}{(1+P)^n} \quad (14)$$

معادله ۱۱ نشان می دهد که ارزش واقعی درآمد مالیاتی R تادمانی که تاخیر در جمع آوری مالیات n بیشتر از صفر است، با افزایش نرخ تورم کاهش می یابد و در صورتیکه n برابر صفر باشد به اتمام مقادیر کشش مالیاتی، R با تغییرات نرخ تورم تغییری نمی نماید.

معادله ۱۲ نشان می دهد که به ازای مقادیر بزرگتر از یک، مساوی یک و یا کوچکتر از یک کشش مالیاتی، تغییرات درآمد واقعی به تغییرات قیمت به ترتیب بزرگتر، مساوی و یا کوچکتر از صفر خواهد بود. در صورتی که کشش مالیاتی مساوی صفر باشد، ارزش واقعی درآمد R بستگی به سطح مطلق قیمت نداشته و تنها وابسته به نرخ تورم و زمان تاخیر در پرداخت مالیات خواهد بود.

معادله ۱۳ نشان می دهد که در هر مقدار سطح ابتدائی قیمتها P_0 و نرخ تورم P ، در صورتی که مقدار کشش مالیاتی افزایش یابد، مقدار درآمد واقعی نیز افزایش خواهد یافت.

وبالآخره معادله ۱۴ نشان می دهد که با فرض یک نرخ تورم مثبت، هر چه مدت زمان تاخیر در پرداخت مالیات n طولانی باشد درآمد واقعی مالیاتی کمتر خواهد بود.